

با یک استعفا بهار نمی‌شود

آذر منصوری

با استعفای حجت عبدالملکی از دولت سیزدهم که به نوعی یکی از نمادهای جوان انقلابی در این دولت بود، ناظران بیرونی منتظرند ببینند چه کسی قرار است، جانشین او در این وزارتخانه شود. چهره‌ای که قبل از روی کار آمدن دولت سیزدهم، یکی از منتقدین سرسخت دولت یازدهم و دوازدهم بود و اظهارات او بعد از استعفایش باز هم مورد توجه قرار گرفته و مجدداً در رسانه‌ها منتشر شد. عبدالملکی گمان می‌کرد همه مشکلات موجود در وزارتخانه‌ای که قریب به مدت یک سال سکاندار آن بود به افرادی بازمی‌گردد که با حذف آنها و روی کار آمدن دولت انقلابی حل و فصل می‌شود. با چنین تحلیل وهم‌آلودی بود که ایجاد یک میلیون شغل در طول یک سال را به مردم وعده داد. اینکه جانشین عبدالملکی چه تحلیل متفاوتی از او دارد (یا ندارد)، می‌تواند به این استعفا معنا بخشد. هر چند اقدام او برای کناره‌گیری در نوع خود کم‌سابقه است، اما اینکه پس از این استعفا در چه مسوولیتی به کار گرفته شود نیز معنادار بودن این استعفا را بیشتر نمایان می‌کند. به جز عبدالملکی وزرای دیگر دولت ریسی نیز وعده‌هایی وهم‌آلود از این نوع داده‌اند. وعده ساخت یک میلیون مسکن در کنار ایجاد یک میلیون شغل، تک رقمی کردن نرخ تورم و به صفر رساندن آن و... نیز ناشی از همین تحلیل‌های عوامانه و توهم‌آلودی بود که پیش از روی کار آمدن این دولت و به ویژه در شعارها و تبلیغات انتخاباتی مطرح می‌شد. حالا یک سال پس از روی کار آمدن این دولت که به یکدستی کامل حکمرانی در کشور ختم شده است، به خصوص حامیان و مدافعان این یکدستی هم خود در معرض این پرسش هستند و هم به پرسشگرانی از دولت مورد حمایت خود تبدیل شده‌اند که؛ «چه شد آن وعده‌ها و شعارها؟» عمر دولت‌ها چهار سال است و باید بر این مبنا بتوانند آثار حضور و پیامدهای مثبت عملکرد خود را به حامیان نشان دهند و تا پایان چهار سال نمی‌شود مدام ناکارآمدی‌ها و سوءمدیریت‌ها را به بانیان وضع موجود نسبت داد.

از قبل از روی کار آمدن این دولت قابل پیش‌بینی بود که با توجه به کسری بودجه، حجم بالای نقدینگی، تورم و تداوم تحریم‌ها حتی ادامه و حفظ وضع موجود نیز ممکن نیست. چه بسا در دولت گذشته 6 ماه فرصت

بود تا دستگاه دیپلماسی ما بتواند برجام را احیا کند. حتی محمدجواد ظریف سوگند خورد که کاندیدای ریاست‌جمهوری نمی‌شود که بتواند در فرصت پس از روی کار آمدن بایدن برجام را احیا و سایه تحریم‌های ظالمانه را از سر مردم ایران بردارد، اما تحقق هدف یک‌دست شدن حاکمیت مانع از حضور موثر او در این بزنگاه حساس و تاریخی شد. البته احیای برجام و قرار گرفتن سیاست خارجی ما در ریل مناسب، تنها جزیی از راه‌حل عبور از مشکلات و بحران‌های رو به افزایش ایران است و ناگفته پیداست که برجام نسخه شفا بخش همه مشکلات پیش روی اقتصاد ایران نیست. اما مساله اصلی را باید در رویکردهای ضد توسعه‌ای دانست که توجیه‌گر ویژه‌گزینی‌ها، نظارت استصوابی و محدود شدن دایره حضور شایستگان و متخصصانی دانست که یا خانه‌نشین شده‌اند یا رفتن را بر ماندن در کشور خود ترجیح داده‌اند. تا ویژه‌گزینی جایگزین شایسته‌گزینی است در بر همین پاشنه خواهد چرخید. با این رویکرد با استعفا و کنار رفتن يك فرد امید چندان به اصلاح سیاست‌گذاری‌ها نمی‌توان داشت. تنها نسخه شفا بخش برای کار آمدی حکمرانی در ایران توجه به خواست مردم، تلاش برای کاهش رنج آنها و تن دادن به الزامات حکمرانی خوب ذیل توسعه دموکراتیک، همه‌جانبه و پایدار است. در غیر این صورت روز به روز بر ناکارآمدی‌ها و بحران‌ها و شکاف بین حاکمیت و ملت افزوده خواهد شد. بنابراین آنان که آگاه نیستند باید بدانند، با يك استعفا بهار نمی‌شود.